



محمدحسن یعقوبیان

استاد یار دانشگاه شهیدمطهری



مقاله

فرهنگی

تیتراژ آغازین سینما از دهه ۱۸۹۰، ظهور پدیده‌ای پیچیده از صنعت و هنر را به نمایش می‌گذاشت که در بُعد فنی روز به روز بر تکنولوژی (بک) آن افزوده شده است. به لحاظ هنری نیز مجموعه‌ای از هنرها را در دل خود داشته و زمانی که به محصول نهایی در گیشه می‌رسد، تبدیل به یک کلا می‌شود.

از این روست که برخی معتقدند سینما هنر محض نیست و در عین حال از پیچیده‌ترین هنرهاست.<sup>۱</sup> بدین سان این پدیده مرکب، آن‌چنان‌که فیلم به عنوان Movie یا ریشه یونانی اش Kinetisk از حرکت کردن و تصاویر متحرک می‌آید،<sup>۲</sup> امری سیال و متحرک از پدیدهاتولید تا فرایند تولید و پس از آن است که طبعاً ارزیابی آن، ناهای متعددی را به وجود می‌آورد.

هنر هم به خودآگاه و هم ناخودآگاه هنرمند مرتبط است<sup>۳</sup> که در خودآگاهش، هم ذوق و احساس هنرمند خیل است و هم بُعدی عقلانی و معرفتی دارد؛ چنان‌که **ارسطو** خرد را راهبر هنر می‌دانست<sup>۴</sup> و فارابی بعدی عقلانی برای آن قائل بود و **هگل** علاوه بر الهام و بعد عاطفی، به کارکرد ذهنی هنرمند اشاره کرده است.<sup>۵</sup>

فیلم به مثابه هنر نیز بُعدی عقلانی و معرفتی از پدیده‌ای ایده و نگارش فیلمنامه تا فرم نهایی دارد و حاوی معانی مختلف صریح، ضمنی و جامع است؛<sup>۶</sup> لذا ادراک جهان آن نیز چنان‌که **مانستربرگ** در روان‌شناسی فیلم اشاره می‌کند، نیازمند توجه ارادی و تمرکز ذهنی و البته همراه با توجه غیرارادی مخاطب در تحریک و مهار عواطف و احساسات است.

این توجه ارادی نیازمند عقلانیتی است که تراکم و غلظت آن ممکن است پای فیلسوف و هرنوتیک فیلم را نیز به سینما باز کند؛ اما به راستی فیلسوف چرا به سینما می‌رود؟

##### فیلسوف و سینما

آنان که با حضور فیلسوف در تالار سینما مشکلی ندارند، اشاره دارند که در وهله نخست، او همچون تماشاگر صرف، ممکن است به خاطر لذت و سرگرمی از دیدن فیلم و شاید حتی رهایی از فشار تفکر فلسفی به سینما برود؛ اما از آن حیث که فیلسوف بما هو فیلسوف است، توجه به ماهیت سینما و فیلم و تجربه ادراکی تماشاگران در غار **افلاطون** گونه سینما، مفاهیم فلسفی که برخی از فیلمها ارائه می‌دهند و احیاناً به کار آموزش به دانشجویان هم می‌آید، فیلم‌هایی که درباره یک فیلسوف یا با محوریت یک ایده فلسفی به شکل جدی باشند و توجه به فیلم به مثابه فلسفه، دلایلی است که پای فیلسوف را دوباره به درون غار تاریک می‌گشاید و بر فیلم متمرکز می‌کند تا با لنزهای مختلف «تحلیلی» یا «قاره‌ای» به تبیین و تحلیل آن بپردازد.

در حقیقت، فیلم به مثابه فلسفه، یکی از

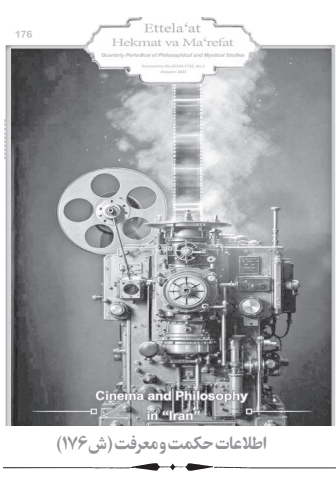
##### واسطه‌های مهم امروزی برای فلسفه است.

اما نه آن‌گونه که تفسیرهایی از بیرون بر فیلم تحمیل شود یا به شکل ارائه محتوای نظری باشد که در رسانه‌های مکتوب نیز امکان پذیر است، بلکه تفکر سینمایی، نوع خاصی از اندیشیدن است<sup>۷</sup> و فیلم به نحو ویژه خود می‌فلسفد و زبان خاص خود را دارد. اما حضور فیلسوف تنها در مقابل پرده نقره‌ای نیست، بلکه گاه در جلوی دوربین به عنوان یک بازیگر یا شخصیت در یک اثر مستند یا داستانی و گاه در پشت دوربین و ساخت فیلم در مقام کششگر نیز قابل مشاهده است که به سینمای فلسفی می‌انجامد.

بزرگانی از سینماگران چون **برگمان**، **تارکوفسکی**، **کوبریک**، **هیچاک** و غیره معمولاً به عنوان مصادیق این نوع از سینما ذکر می‌شوند؛ اگرچه مختصات این سینما و مخاطبان آن همچنان محل بحث و چند و چون است.

در شماره اخیر ویژه نامه فصلنامه «اطلاعات حکمت و معرفت» (۱۷۶) کوشش شده است تا ابعاد مختلف پیوند سینما و فلسفه در فلسفه سینما/ فیلم، سینمای فلسفی و فیلمسوفی که البته مرکزشی دقیق بین آنها محل نقد واقع شده، در دامنه ایران و با یک تدوین موازی دنبال گردد.

به نظر می‌رسد سن سینمای ایران و تجربه زیسته‌اش، به آن حد از بلوغ رسیده باشد که اکنون در کنار مباحث مختلفی از امور اقتصادی، فرهنگی و مشکلات عدیده در تولید و نمایش و وضعیت هنرمندان، فیلمنامه و... به خودشناسی فلسفی نیز بپردازد. چه اینکه علاوه بر نقش فلسفه در تولید، فهم و نقد فیلم‌ها، خودآگاهی به کلیت سینمای ایران از این طریق ممکن است تا بفهمد که از کجا آمده و اکنون کجاست و به چه چیز، چگونه می‌اندیشد؟ تا بداند به کجا می‌خواهد برود؟ چه دارد یا ندارد و چرا؟



اطلاعات حکمت و معرفت (ش ۱۷۶)

همچنین پرسش‌هایی از چیستی و هستی سینما که باید با نظر به داشته‌های فرهنگی – اجتماعی‌ما بازپرسیده شوند که از منظر ماسینماچیست و چه نسبتی با داشته‌ها دارد؟ و آیا در این نسبت و پیوند، با بدنه و ساقه درخت معرفتی – فرهنگی‌ما جوانه زده و محصول خاص خود را به بار آورده است؟ چه اینکه نسب‌سنجی این پدیده مدرن در نسبت باست ما، جهان به مثابه تصویر در تفکر عقلی‌ما یا جهان تصویر در سینما و تفکر مفهومی نمودی با تفکر تصویری و نمادی فیلم، شایسته

# سینما و فلسفه در ایران

»»»»»

فصلنامه بیست سالهٔ «اطلاعات حکمت و معرفت» در آخرین شماره به «سینما و فلسفه در ایران» پرداخته است به این امید که پیوند فیلم و فلسفه در کشور استحکام و عمق بیشتری بیابد. ایم کار هم منجر به گسترش بیش از پیش فلسفه سینما در ایران خواهد شد و هم موجب می‌شود سینمای ایران به طور کلی از فلسفه و فیلسوفان بهره بیشتری ببرد و سینمای فلسفی نیز فروغ فزون‌تری بیابد.



# زیر درختان زیتون

فیلمی از عباس کیارستمی

فیلمنامه تدوین:میرحاج‌صحبه‌وکارگردان:عباس کیارستمی مدیرفیلمبرداری:حسین‌جعفریان،مداراداران:یدالله‌لنجلی،محمدحسن‌ساک‌باشی بازیگران:محمدعلی‌اکتوروز،فرهادخرمند،حسین‌رضایی،طاهره‌لادنیان،طهره‌شیوا

«زیر درختان زیتون» پخش سوم از سه گانهٔ «خانه دوست کجاست؟» و «زندگی و دیگر هیچ» است به نویسندگی، کارگردانی، تدوینگری و تهیه‌کنندگی: عباس کیارستمی، محصول: ۱۳۷۳، مدت زمان: ۱۳ دقیقه. این فیلم سینمای اندیشهٔ ایران چنان بازیاتی در محافل هنری یافت که به نوشته نشریه نیویورکر در گزارشی که ۴۴ مورد از بهترین فیلم‌هایی تاریخ ۷۰ ساله برگزارش جشنواره کن را معرفی و فهرست کرد، «زیر درختان زیتون» را به عنوان نماینده سینمای ایران نیز درج نمود. نشریهٔ ایووارت فرانسه جایگاه این فیلم را بالاتر از این دانست و گفت این فیلم در فهرست صدفیلمی که باید دیده شود، قرار داد. این فیلم ایرانی افزون بر نامزدی در چند جشنواره، جوایز متعددی را از آن خود کرد که از آن شمار است:

برنده «هوگو نقره‌ای» جشنواره بین‌المللی فیلم شیکاگو ۱۹۹۴
برنده «خوشه طلایی» بهترین فیلم جشنواره بین‌المللی فیلم وایادولید ۱۹۹۴
برنده «جایزه منتقدان» بهترین فیلم جشنواره بین‌المللی فیلم سان‌پائولو ۱۹۹۴
برنده «رژ طلایی» نشست فیلم برگامو ۱۹۹۵
برنده جایزه «پرده نقره‌ای» بهترین کارگردانی جشنواره بین‌المللی فیلم سنگاپور ۱۹۹۵
برنده جایزه «رژ طلایی» نشست فیلم برگامو ۱۹۹۵
برنده جایزه «فیلم منتخب تماشاگران» جشنواره بین‌المللی فیلم ملیورن ۱۹۹۵

ناملات جدی است.

##### سینماگران و فیلسوفان

در این خصوص، رابطه سینماگران و فیلسوفان ما نیز شایان درنگ است که جریانات فلسفی ما چه مقدار و چگونه به سینمای ما پرداخته‌اند یا از آن بازمانده‌اند؟ و در مقابل، سینماگران ما نیز چه میزان به این میراث فکری یا حاملان آن، مراجعه و نظر داشته و بهره هنری برده باشند؟ چه اینکه در دهه‌های گذشته در مواردی که اصحاب سینما به اندیشمندانی که لزوماً همه فلسفی یا فیلسوف به معنای خاص آن هم نبوده‌اند، مانندآیت‌الله طالقانی، دکتر علی شریعتی، دکتر احمد فردی، استاد علی صفایی حائری (عین صاد) و... نزدیک شده یا تماس‌های فکری داشته‌اند یا اطلاعات و

و... می‌توان دید.

##### فهم و نقد فیلم

در گفتگوهای این شماره «اطلاعات حکمت و معرفت» تلاش شده است تا فلسفه اسلامی به مثابه فلسفه کلاسیک مادر نسبت با فیلم و سینما با خانم دکتر نادیا مفتونی و همچنین، تحقیقات فلسفی غرب در درک بیدارشنه‌ای در فهم و نقد فیلم با دکتر رامتین شهبازی، مورد واکاوی قرار گیرد. مضاف بر اینها، تلاش شده تا سهم سینمای فلسفی اعم از داستانی و مستند از دیده دور نماند؛ به ویژه سینمای مستند فلسفی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، با نظر به تجارب آقای مسعود طاهری، از نمای نزدیکیتری بازبینی شده است. در ادامه کوشش شده است تا در بخش مقالات، جریان‌شناسی اجمالی از رویکردهای مختلف مطالعات فلسفی به سینما در ایران عرضه شود تا ضمن توجه به تنوع نگرشی آنها، راه رفته و گامهای پیش روی، شفافیت بیشتری بیابد. همچنین تلاش‌های فلسفی در درک بینارشنه‌ای سینما و فهم فلسفی سینمای ایران را دکتر محمد هاشمی و پدیدارشناسی در سینمای ایران را آقای دکتر مهدی ناظمی بیان کرده‌اند.

علاوه بر اینها، جهت معرفی بیشتر جریان نوین مشاوره فلسفی که به فلسفه گرم و انضمامی برای زیستن می‌پردازد که تقصیل آن در شماره ۱۷۱ مجله اطلاعات حکمت و معرفت آمده است، مقاله‌ای با عنوان «سینما به مثابه درمان در مشاوره فلسفی» نیز آمده که دکتر حسین حسینی محمودی، جنبه کوشیده است تا زوایای کاربردی و باورانه فیلم‌ها در حجه ابزار یک مشاور فلسفی را به تصویر بکشد.

چه اینکه فیلم‌ها یا نمایشنامه‌های فلسفی و اجرای آنها در مکان‌های عمومی، مانند گفتگوهای سقراط در کف خیابان و آگورا، علاوه بر اینکه توسعه و راهیابی فلسفه به بدنه جامعه را امکان پذیر می‌سازد، جنبه عملی و درمانی فلسفه به عنوان هنر زیستن را نیز نشان می‌دهد.

در پایان نیز مقاله‌ای با لحاظ رویکرد تطبیقی در مطالعات نظری سینما آمده است. این مقاله که از معدود آثار این حوزه است، تنها به عنوان درآمدی بر طرح مسئله و رویکردی است که می‌کوشد رهگشای پیوند فلسفه تطبیقی با فلسفه فیلم باشد. به امید آنکه ره یافت نوینی در مطالعات سینمای ایران در مقایسه با سینمای جهان ارائه نماید و از رویکردهای معمول خود مرکزپندارانه یا دیگرگرایانه نسبت به سینمای غرب، پرهیز نماید.

در این خصوص با رویکرد لوکال (بومی – جهانی) ونه صرفاً بومی یا جشنواره‌ای به نقل بر سینمای ایران در مقایسه با سینمای جهان بیندیشد و مؤلفه‌های نظری خود را واکاوی نماید که پرسش اصلی فلسفه سینما در کشور ما و وضعیت سنجی آن در مقام هست و نیست را واکاوی نماید.

##### پی‌نوشت‌ها:

- بوردول و تامسون، دیوید و کریستین (۱۳۸۶)، تاریخ سینما، ترجمه روبرت صافاریان، تهران: مرکز، ص ۲۶.
- آوینی، مرتضی (۱۳۷۸)، آینه جادو، تهران: ساقی، ص ۹۹، ص ۹۸.
- نجفی، صالح (۱۴۰۲)، فیلم به مثابه فلسفه، تهران: لعل، ص ۶۶.
- مفتونی، نادیا (۱۳۹۴)، فارابی و مفهوم‌سازی هنر دینی، تهران: سوره مهر، ص ۹۷.
- مفتی زربانی، ص ۱۰۱، ۸۰. فیلیس، ویلیام (۱۳۹۷)، سینما، تهران: ترجمه رحیم قاسمیان، ج ۳، تهران: ساقی، ج ۳، ص ۱۱۳.
- کهن، فیلسینی (۱۳۹۹)، فیلسوفان سینما، ترجمه مهراد پارسا، تهران: شوند، ص ۱۵.
- ابوت، متیو (۱۴۰۲)، عباس کیارستمی و فیلم – فلسفه، ترجمه صالح نجفی، تهران: نشر لگ، ص ۳۲.

##### آگهی تغییرات موسسه غیر تجاری حسابرسی رایمند و همکاران به شناسه ملی ۰۵۹۹۹۰۵۰۱۰۰۵ و به شماره ثبت ۱۳۲۷۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی شرکا مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱ و طبق مجوز شماره ۱۴۰۴/۴۴۵۴۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ از جامعه حسابداران رسمی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
آقای امید قنبری به شماره ملی ۵۲۷۹۵۲۵۵۲ با پرداخت مبلغ ۶۸۰۰۰۰ ریال به صندوق مؤسسه سهم الشکره خود را مبلغ ۴۷۲۰۰۰۰ ریال به افزایش داد و آقای محمدباقر پورصالحی به شماره ملی ۲۰۹۲۳۳۶۸۰ با پرداخت مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال به صندوق مزه شرکاء مؤسسه قرار گرفت در نتیجه سرمایه مؤسسه از مبلغ ۱۸۲۳۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال افزایش یافت و ماده مربوطه دراساسنامه مؤسسه اصلاح گردید اسامی شرکاء بعد از افزایش سرمایه – آقای عباس سالک به شماره ملی ۵۵۵۹۷۸۷۹۳۰ دارای مبلغ ۶۸۰۰۰۰ ریال سهم الشکره ۲- آقای مجید محمدی به شماره ملی ۳۹۳۴۳۳۳۵۴ دارای مبلغ ۶۸۰۰۰۰ ریال سهم الشکره ۳- آقای امید قنبری به شماره ملی ۵۲۷۹۵۲۵۵۲ دارای مبلغ ۵۴۰۰۰۰ ریال سهم الشکره ۴- احمد محمدباقر پورصالحی به شماره ملی ۲۰۹۲۳۳۶۸۸ دارای مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال سهم الشکره.

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۰۲۳۰۲۱)**

»»»»»

##### آگهی تغییرات شرکت سهامی عام بیمه زندگی کاریز مابه شناسه ملی ۰۵۵۹۰۱۵۵۷۰۱۴ و به شماره ثبت ۶۰۳۱۴۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ ومجوز شماره ۱۴۰۲/۱۲۹۲۵۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۱ بیمه مرکزی ومجوز شماره ۱۲۸۱۳۴۸۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۷ اسازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
کلیه سرمایه تعهدی شرکت طی گواهی شماره ۱۰۳۶۱/ص ۲۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۲ بابانک پاسار گاد شعبه بهشتی غربی پرداخت گردید.

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۰۲۳۰۲۳)**

»»»»»

##### آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص فرا موج پویا به شناسه ملی ۰۷۲۵۲۱۸۰۰۱۰۲ و به شماره ثبت ۲۱۰۷۰۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
آقای مهرداد آقاچانی به شماره ملی ۰۵۶۴۲۸۴۶۶ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ حسین فرهادی به شماره ملی ۰۲۸۲۰۳۰۵۷۵ به سمت مدیرعامل و نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۶/۱۵ خانم مصومه فکر آزادان به شماره ملی ۰۴۰۳۹۳۹۷۱ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۶/۱۵ آقای نعمت اله جمالی به شماره ملی ۱۱۱۱۱۰۹۵۴۰ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۶/۱۵ انتخاب گردیدند کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضای مشترک مدیرعامل و یک نفر دیگر از اعضای هیات مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و نامه‌ها و مکاتبات اداری شرکت با امضای مدیرعامل یا یکی از اعضای هیات مدیره با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۰۲۳۰۲۴)**

»»»»»

**آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص اکتشاف و تولید انرژی افق به شناسه ملی ۰۵۶۱۹۰۵۶۱۰۱۴ و به شماره ثبت ۵۸۰۰۳۷**
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
آقای علی خسروی لرگانی به شماره ملی ۰۰۶۸۸۱۴۰۷ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی حسابرسی و خدمات مدیریت حامیان کار دیده پارس به شناسه ملی ۱۰۱۳۱۷۹۷۸۶ و به نمایندگی علی خسروی لرگانی به شماره ملی ۰۰۶۸۸۱۴۰۷ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی آقای سیدجمال حسینی به شماره ملی ۴۳۲۳۹۱۴۰۵۵ به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
ترازنامه و صورت‌های مالی و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت.

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۰۲۳۰۲۵)**

\* یکشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۴ \* ۱۱ جمادی الاول ۱۴۴۷

\* ۲۰ توامبر ۲۰۲۵ \* سال صدم \* شماره ۲۹۰۸۳

ettelaatonline



ettelaat.com

## اسطوره کیخسرو



دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

استاد دانشگاه و اسطوره پژوه



در بخش نخست آمد که شخصیت اساطیری کیخسرو در آثار دینی دوره میانه شرح و بسط یافته و جنبه‌های دینی و آیینی آن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین به عنوان یکی از جاوداتان ظاهر می‌شود و نقشی در آینده دارد که باید در رستاخیز ایفاکند. نوشته‌های پهلوی بیشتر در جهت اثبات دیناوری و نجات بخشی اوست و او را همچون شخصیتی تاریخی ستوده‌اند. اینک ادامه سخن:

ماجرای عزیمت سیاوش به توران، حکایت دوستی او با افراسیاب، دشمن سرسخت ایران، ازدواج با دختر وی و ساختن کنگ دژ و سیاوشگرد احتمالا به اسطوره‌ها و آیین‌های بین‌النهرینی ربطی ندارد، گرچه مرگ سیاوش و رویداد گهایی از خون‌اودر داستان کیخسرو عملاً جزئی از بخش اول روایت سیاوشی است. در دینکرد هفتم می‌خوانیم: «آمد به کیخسرو سیاوششان، از [تو] بدران شکست داد و اوژد (کشت) افراسیاب جادو را و خویشاوند نابکار او و بسی دیگر... را؛ و برآشت [= ویران کرد] بتکده را بر ساحل دریاچه چیچست؛ زد [او] درهم شکست آن دروج شکفت را [که] با یاستگی [= ضرورت بود] هسانا برای ابزار [و] توانمندی برای آراستن [افرشکرد؛ تا با یاری از آن و خش کیخسرد به [آن] جایگاه رازمند که در آن [است] با دارندگی تن بی مرگ تا فرشکرد».

در اینجا با شخصیت بت‌شکن کیخسرو روبرو می‌شویم و می‌بینیم که بر ساحل دریاچه چیچست، زمینه را برای آماده کردن جهان برای نوسازی جهان فراهم می‌کند. این بخش از دینکرد با روایت شاهنامه کاملاً هماهنگ است.

کیخسرو همچون سیاوش با کنگ دژ نیز مربوط است. به طوری که در روایت پهلوی آمده است: «سیاوش... کنگ دژ را با داست خویش و نیروی هرمزد و امشاسپندان، بر سر دیوان ساخت و اداره کرد... تا آنکه که به کیخسرو آمد، متحرک بود. پس کیخسرو به مینوی کنگ گفت که: خواهر مینی و من برادر توام، زیرا تو را سیاوش با داست ساخت و مرازا گند کرد. به سوی من یازگرد؛ و کنگ به همین گونه کرد. به زمین آمد... به ناحیه خراسان، در جایی که سیاوشگرد است... و پس از آن نرفت.»<sup>۱</sup> زنده‌باد مهرداد پها، نظر تحلیل جالبی از این اسطوره به دست داده است، «نخست باید توجه کرد که کنگ دژ شهری بر زمین نبود و درآسمان قرار داشت و دوم اینکه چون به زمان کیخسرو، فرود آورده شد، بر جای سیاوشگرد قرار گرفت. آیا این بدان معنا نیست که کنگ دژ فرود آمده بر زمین همان سیاوشگرد است از نظر اسطوره‌شناسی این بدان معناست که سیاوشگرد عیناً به صورت کنگ دژ آسمانی ساخته شد».<sup>۲</sup>

بنابه اساطیر زرتشتی پایان هزاره سوم همزمان با پادشاهی کیخسرو است. در حماسه‌های ایرانی نیز، هزاره سوم با دوران سه هزار ساله گومیزش (امیزش) در روایات دینی، از پادشاهی فریدون آغاز می‌شود و با پادشاهی کیخسرو پایان می‌یابد. در این زمان ویژه «همچنان‌که کیخسرو مظهر نیروهای اهورایی در زمین است، نماینده قوای دوزخی نیز افراسیاب است و جنگ بزرگ کیخسرو و افراسیاب در پایان این دوره، تصویری است حماسی از جنگ بزرگ رستاخیزی. با پایان گرفتن این جنگ نهایی، زمان اساطیری نیز در حماسه ملی ایران به انجام می‌رسد».<sup>۳</sup>

##### نجات بخشی در پایان جهان

طبق روایات زرتشتی، کیخسرو با اسطوره نجات بخشی در پایان جهان پیوندی تنگاتنگ دارد. او با نوسازی جهان مربوط است و دین‌سنایی و دیناوری جزو کارکردهای مهم اوست. در روایت پهلوی آمده است: «به پایان هزاره اوشیدرمه، سوشیانس به سی سالگی، به دیدار هرمزد رسد. آن روز خورشید تا سی روز به بالای [آسمان] بایستد و سوشیانس چون از دیدار باز آید، آنگاه کیخسرو که بر وی درنگ‌خدا، نشسته است، به پیشواز او آید. سوشیانس پرسد که: «تو کدامین مردی که برای وای درنگ‌خدا می‌روی...؟» کیخسرو پاسخ گوید که: «من کیخسروام.» سوشیانس گوید که تو [همان] کیخسروی [که]... بریدی [این] زمان را [ننگ‌هایی که بتکده‌ای را به دریای چیچست بکندی؟ کیخسرو گوید که: «من آن کیخسروام» سوشیانس گوید که: «تو اویدون نیوکوشی وری زیدی چه، اگر تو [چنان] نمی‌کردی، همه آن گردانش کیخسرو دساری نیوکوست، دشوار می‌شد... ای گم! برو و دین بستی!» کیخسرو دین بستیاید. پس اندر آن پنجاه و هفت سال، کیخسرو شاه هفت کشور باشد و سوشیانس موبدان موبد شود».<sup>۴</sup>

منابع اسلامی بیشتر به گریختن کیخسرو از توران و نبرد‌های بعدی او با افراسیاب اشاره کرده‌اند. «خداینامه» بیشتر مطالبش درباره کیخسرو، از روایات پهلوانی اخذ کرده است؛ اما متون دینی پهلوی بیشتر به جنبه‌های آیینی، دینی و رستاخیزشناختی او اشاره دارند. گزارش ناپدید شدن کیخسرو در برف با شکاری جنگاوران پراورانه، احتمالاً در نتیجه همان نسبت دادن امر جاودانگی به اوست.<sup>۵</sup> نامرئی شدن یکباره کیخسرو به معنی پایان یک دوره مهم حساسی است. در واقع با پایان یافتن سرگذشت پرمجاری کیخسرو، دوران اساطیری حماسه ملی ایران نیز به پایان می‌یابد.

##### جام گیتی‌نما، دل‌دانا

کیخسرو صاحب فر بود: «در حالی که فره ایزدی از اومی یافت، پیش آمد و پیران [ویسه] را زماز برد... زیبایی کودک پیران را ساخت خوش شد، و از تابش و روشنایی او بسیار در شگفت شد.»<sup>۶</sup> تنها فره ایزدی نبود که کیخسرو را در میان شخصیت‌های اساطیری و حماسی ایران ممتاز می‌کرد، بلکه یک نکته مهم دیگر او را از بسیاری از شخصیت‌های مهم اساطیری جدا و منحصر به فرد می‌کرد و آن «جام گیتی‌نما» بود. در نوشته‌های اوستایی و پهلوی از این جام گیتی‌نما یا جام جهان بین، سخنی به میان نیامده است و در واقع در هیچ یک از منابع اساطیری و داستانی پیش از شاهنامه نیز قرینه‌ای الی‌الکویی برای مفهوم «جام جهان‌نما» دیده نمی‌شود.<sup>۷</sup> برخلاف منابع دیگر که جمشید را مالک این جام می‌دانند، در شاهنامه، این جام از آن کیخسرو است و او با نگرستی در آن، محل زندان بیژن رامی‌یابد:

یکی جام برگ‌نهاده نپید
زمان و نشان سپهر بلند
همه کرده بیدا چه و چون
و چند نگاریده پیکر همه بکسره
در ماهی به جام اندرون تا بره
چو خورشید و تیر از بر و ماه زیر
همه بودنی‌ها بدو اندرا

این جام که با نامهای جام جهان‌نما، جام گیتی‌نما، جام جهان بین، جام عالم‌بین و جام جهان آرا نیز در فرهنگ‌ها و متون کهن به کار رفته، جایی است که «أحوال عالم و راز هفت فلک را در آن می‌دیدند.

##### پی‌نوشت‌ها:

- پژوهشی در اساطیر ایران، ۲/۲۹، همان، ۳/۱۲۶۳، همان، ۴//سایه‌های شکار شد، ۱۱/۱۳ «وای» به معنای فضا و نام ایزد جنگ است. در ادبیات جدیدتر زرتشتی، وی به دو موجود هرمزدی و اهریمنی تقسیم می‌شود که وای نیک و وای بد نام دارند. وای نیک را وای درنگ‌خدا می‌خوانند. ۶ پژوهشی در اساطیر ایران، ۲۸۰-۲۷۱/تاریخ ملی ایران، ۵۶۱، ۸۱/غیرالسیر، ۹/۱/سجاد آیدلو، از اسطوره تا حماسه، ۱۲۶